



میر عبدالواحد سادات

جواب ما به مولانا های خبیث و ملعون پاکستان

دیروز یکی از اضلاع مثلث خباث مولانا فضل الرحمن (و دو دیگر آن : مولانا سمیع الحق و قاضی حسین احمد) دهن گشوده و به نیابت از آی اس آی و جنرالان پاکستان بر علیه اراده مردم افغانستان عقده گشایی و اراجیف را تکرار نموده ، که گویا «در کشور جنگ زده افغانستان انتخابات بی معنی است و مشروعیت ندارد»

دهن گشوده بخاری برسم بی ادبان سخن بجایی رسیده که چوب میخواهد

یاد مان باشد این همان مولانای نامسلمان است که چند سال قبل فتوا داده بود «جنگ پاکستان حرام و جهاد در افغانستان فرض است».

برای بستن دهن این خبیث ترین دشمن تاریخی ما ، ملت افغانستان به قهرمان جان نثار دیگری نیاز دارد تا همچون سید اکبر فقید که در برابر دهن گشایی و بی ادبی لیاقت علی خان صدراعظم وقت پاکستان در برابر کشورما (در متینگ اکتوبر 1951 م) با فیر چند مرمی دهن ناپاک او را بست و روانه دوزخ نمود.

در حالیکه افغانستان آماج سونامی دهشتبار بنیادگرایی «اسلامی» و ذهنیت تکفیری برخاسته از دیوبند، قم و اراعیون عرب می باشد و با تشدید جنپ اعلان ناشده پاکستان، دسایس ایران و جنگ های نیابتی و در منجلا ب رقابت های جیوپلیتیک منطقوی و بین المللی در دور جدید «بازیهای بزرگ» قربانی میدهد و از اثر سیاستهای کجدار و مریز امریکا و انگلیس، تلاش گسترده حفاران کهنه کار در جریان است تا در زد و بند ها زیر نام صلح و با افاده که گویا : افغانستان یک کشور بدوی و جنگ زده و با افتراق ملی ، استعداد گذار به مدنیت را ندارد و باید در اختیار پاکستان قرار داده شود. (سرو صدای بلک و اثر نیز در همین راستا مطرح است).

سخنان این مولانای ملعون انگریزی نیز بحساب سیاست های استعماری در راستای تحقق اهداف استعماری بیان میگردد.

بدینرو : رسالت افغانان متعهد بوطن است تا بدشمنان نامسلمان واجنت کلام حضرت سنایی سرسلسله عرفان را تکرار نماییم که میگفت :

مسلمنان، مسلمانان، مسلمانی، مسلمانی
ازین آیین بی دینان، پشیمانی، پشیمانی

البته خود ما میدانیم که «چگونه انتخابات» داشته باشیم و بدون شک مطمح نظر ما تبارز اراده مردم بخاطر صلح و گذار به شاهراه ترقی و تسلیم ناپذیری در برابر اربابان جهل و تاریکی میباشد.

با حرمت